

مطالعه و بررسی تاثیر حاشیه‌نشینی بر گسترش سوء مصرف مواد مخدر مورد مطالعه: (شهرک گلستان اسلام شهر در سال ۱۳۹۰)

سروش فتحی^۱

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گروه علوم اجتماعی، گرمسار، ایران

هاشم آرام

دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

عادلۀ فخری اسفستانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۲۸

چکیده

یکی از معضلات عمده جهانی در حال حاضر مسئله سوء مصرف مواد است. اعتیاد عامل بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های خانوادگی و فردی است. هدف مقاله حاضر ضمن مطالعه و بررسی وضعیت سوء مصرف مواد مخدر و عوامل موثر بر آن، بر این است تا بر اساس الگوی نظری - تحلیلی، نقش حاشیه‌نشینی را به عنوان عامل اساسی در بوجود آوردن این مسئله مورد ارزیابی قرار دهد. روش تحقیق پیمایش و اسنادی بوده و اطلاعات لازم با استفاده از تکنیک‌های فیش برداری و پرسشنامه روی نمونه مورد مطالعه ۲۰۸ نفر از افراد ساکن شهرک گلستان اسلام شهر که با استفاده از روش نمونه‌گیری احتمالی دو مرحله‌ای انتخاب شده بودند، جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش آمار توصیفی و اسنباطی با توجه به آماره‌های متناسب ناپارامتریک (اسپرمن و من وایت نی) صورت پذیرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بین پایگاه افراد، میزان ارتباط افراد با کجروها و پذیرش قومی با میزان سوء مصرف مواد مخدر رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین تفاوت معنی‌داری در میزان آنومی، سوء مصرف مواد و میزان ارتباط با کجروها، بین دو گروه حاشیه‌نشینان و غیرحاشیه‌نشینان وجود دارد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد افراد پس از مهاجرت به حاشیه کلان شهر تهران و سکونت در شهرکی مثل گلستان (اسلام شهر) اقوام خود را از زادگاه خود دعوت به مهاجرت می‌نمایند و با توجه به اینکه قوم‌گرایی در این مناطق با این روند افزایش می‌یابد، یکی از موثرترین عوامل بر گسترش گرایش افراد به سوء مصرف مواد مخدر شناخته می‌شود.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، سوء مصرف مواد مخدر، قوم‌گرایی

مقدمه

از زمانی که شهرنشینی رواج یافته، مشکلات و مسائل اجتماعی نیز به تبع آن گسترش یافته است. گسترش شهرنشینی در ایران با سیاست‌های تمرکزگرایی رضاخان و حذف روستانشینی و زندگی عشایری بوده است، بر همین مبنا گسترش شهرنشینی بنا به دلایل مختلف تبعات و پیامدهایی دارد که نیاز به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری متناسب و مناسب است. یکی از تبعات و پیامدهای شهرنشینی حاشیه‌نشینی می‌باشد که این حاشیه‌نشینی به صورت آلونک‌نشینی، کپرنشینی، حلبی‌آبادها تجلی یافته است.

اصطلاح حاشیه‌نشینی در کشورهای درحال توسعه به محلات فقیر نشین اطلاق می‌شود که در اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده و ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی-اجتماعی شهر شده تا از امکانات و خدمات شهری استفاده نمایند. افراد حاشیه‌نشین به علت عوامل رانش زادگاه خود، افزایش بی‌رویه جمعیت، توزیع نامتناسب و نا عادلانه امکانات در سطح کشور به بهانه عدم توجه اقتصادی، عدم حمایت از مشاغل بومی و پایه‌ای در روستاها و شهرهای کوچک و از سوی دیگر پدیده‌های طبیعی مانند سیل، خشکسالی، سرمازدگی محصولات کشاورزی، آفات دامی، ناامنی و... و به دلیل عوامل جذاب شهری زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آن‌ها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو بر اثر عوامل پس ران شهری از سوی دیگر از محیط شهری پس زده می‌شوند و به تدریج در کانون‌های به هم پیوسته می‌شوند و یا جدا از یکدیگر در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند. حاشیه‌نشینی عبارت است از وضع زندگی تمام کسانی که در جامعه شهری ساکنند ولی از نظر درآمد، بهره‌گیری از امکانات و خدمات در شرایط مطلوبی به سر نمی‌برند (عبدی، ۱۳۸۶: ۸).

به طور کلی حاشیه‌نشینی با توجه به توضیحات فوق خود عامل تشدیدکننده مسائل اجتماعی که سوء مصرف مواد مخدر نیز یک نوع از آن‌ها می‌تواند باشد، شناخته می‌شود.

بیان مسأله

آیا سوء مصرف مواد مخدر یک آسیب اجتماعی است؟ اگر سوء مصرف مواد مخدر یک آسیب اجتماعی است، عوامل موثر بر آن کدامند؟ رابطه حاشیه‌نشینی و سوء مصرف چگونه است؟ عوامل سوء مصرف در میان حاشیه نشینان کدامند؟ بی‌شک هر مسئله اجتماعی به یک سلسله مسائل اجتماعی دیگر پیوسته است، گسترش شهرها، به وجود آمدن کلان شهرها و گسترش حومه‌های شهری فقیر مهاجر نشین حلقه‌های زنجیری هستند که در پیرامون آسیب‌های اجتماعی به طور اعم و مسائل مناطق فقیرنشین به طور اخص دیده می‌شود. فهم مطالب زیر هر کدام کلیدی در راستای فهم مسأله سوء مصرف مواد مخدر می‌باشد:

گسترش شهرها و کلان شهرها و رابطه آن با آسیب‌های اجتماعی و حاشیه‌نشینی پدید آمدن شهرها و توسعه آن همواره در طول تاریخ بشر بوده است. شهرهای بزرگ و با شکوه پایتخت پادشاهان ظهور کرده‌اند و به زندگی خود ادامه داده‌اند.

برخی از شهرها نیز به خاطر موقعیت استراتژیک خود اهمیت یافته و رونق گرفته‌اند اما هرگز شهرنشینی، رشد و گسترش این‌چنینی نداشته است در طول تاریخ معاصر جهان به شهری شدن بسیار روی آورده‌اند و شهرها مرکزیت یافته و به روستاها مسلط شده‌اند.

البته باید این مساله را در نظر داشت که رشد شهرنشینی در جهان سوم تفاوت‌های بسیاری با کشورهای صنعتی دارد. به نظر گیدنز مردم کشورهای جهان سوم به این دلیل به شهرها روی آورده‌اند که نظام سنتی تولید روستایی آن‌ها از هم پاشیده یا به دلیل آنکه نواحی شهری فرصت‌های شغلی برتری ارائه می‌کند، مهاجران به محله‌های مهاجرنشین هجوم می‌برند و در حاشیه‌شهرها مانند قارچ رشد می‌کنند.

در مورد گسترش مهاجرت‌ها و حاشیه‌نشینی در ایران و رابطه آن با آسیب‌های اجتماعی می‌توان چنین گفت: با توجه به مطالب پیشین به این نتیجه می‌رسیم که توسعه در کشورهای جهان سوم توسعه‌ای برون‌زا و تحمیلی و در راستای رفع نیازهای سرمایه‌گذاری تنظیم شده است. نتیجه چنین توسعه‌ای تمرکز شدید و شکل‌گیری شهرهایی به عنوان مرکز بوده است، که بخش اعظم درآمد جامعه به سوی چنین شهرهایی است. مهاجرت‌ها به دلیل یک سری عوامل چون عوامل دفع یا عواملی که افراد را به ترک یک منطقه وادار می‌کنند و نیز عوامل جذب یا شرایطی که مقصد را جذاب می‌سازند، رخ می‌دهند. این هجوم بی‌رویه و سیل‌آسا موجب شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای و نابهنجار گردید.

به نظر دکتر پیران نیز نمی‌توان رشد شهرنشینی در جهان سوم (یا به قول خودشان کشورهای عقب‌نگه داشته شده) را با غرب و تجربه کشورهای صنعتی مقایسه کرد (پیران، بی تا: ۵۸).

با توجه به دیدگاه محققینی که تحقیقاتی انجام داده‌اند باید پذیرفت که میان محل سکونت و جرم رابطه معنی داری وجود دارد و محله‌های حاشیه‌نشین به عنوان مناطق محروم را با توجه به موقعیت اقتصادی، جغرافیایی و ترکیبی جمعیتی که در خود جای داده پاره فرهنگی به وجود می‌آورد که می‌تواند در تحقق جرم و اشاعه مجرمیت تاثیر عمده داشته باشد. به همین دلیل جامعه‌شناسان برخی نواحی شهری را محله خیز می‌دانند، اینگونه محله‌ها که موانع ارضاء نیازهای اساسی تشخیص، ایجاد و تعارضات فرهنگی و اشاعه ارزش‌های اجتماعی را در بردارند و می‌توانند در گسترش جرم و بزهکاری تاثیر معنی‌داری داشته باشند (نوی، ۱۳۷۴: ۲۴۲).

در تحقیقات انجام شده در این مناطق به ویژگی‌های خاص این مناطق توجه شده است. این مکان‌ها دارای ارزش‌های خاص خود هستند و خرده فرهنگ‌های رایج آن از طریق انتقال فرهنگی و فرآیند یادگیری را استمرار می‌یابند.

وجود چنین مناطق هر چند به گسترش جرم و بزهکاری منجر می‌شود. در تحلیل نهایی جرم و کجروی به نظر می‌رسد باید به ساختارهای کلان جامعه که منجر به شکل‌گیری چنین مناطقی می‌شود پرداخت و آن‌ها را به عنوان علت العلل مسائل اجتماعی مورد بررسی قرار داد. مثل نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و تمرکزگرایی که منجر به توزیع ناعادلانه فرصت‌ها و امکانات برای دستیابی به اهداف می‌شود. اهدافی که جامعه آن را مطلوب شناخته است (همان).

یک تحلیل تئوریک نسبتاً جامع می‌تواند به شناخت دقیق‌تر عوامل موثر بر اعتیاد کمک کند. هدف نخست در این تحقیق رسیدن به یک چارچوب نظری است که بتواند به این سوال پاسخ دهد که عوامل اعتیاد حاشیه‌نشینان به خصوص حاشیه‌نشینان منطقه گلستان چیست؟ این مسئله علاوه بر جنبه نظری جنبه تئوریکی نیز دارد. باید بتوان در یک مدل تئوریکی نقش متغیر واسط و مستقل را سنجید. به هر حال شناخت دقیق یک آسیب‌اولین گام در رفع آن آسیب است. اگر عوامل سوء مصرف به طور دقیق مورد شناسایی قرار گیرند می‌توان برای از بین بردن این عوامل یا کم‌رنگ کردن تأثیر آن‌ها سرمایه‌گذاری کرد.

در مورد اهمیت و ضرورت موضوع در باب سوء مصرف مواد مخدر می‌توان گفت: یکی از معضلات عمده جهانی در حال حاضر مسئله سوء مصرف مواد است. اعتیاد عامل بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های خانوادگی و فردی است. سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۹) مساله مواد مخدر را اعم از تولید، انتقال، توزیع و مصرف را در کنار سه مساله جهانی دیگر یعنی تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، آلودگی محیط زیست، فقر و شکاف طبقاتی، از جمله مسائل اساسی شمرده است که حیات بشری را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در عرصه جهانی مورد تهدید و چالش جدی قرار می‌دهد. آمار رو به افزایش مصرف مواد مخدر در دنیا به حدی است که یکی از سم‌شناسان معروف دنیا به نام «لودوینگ» می‌گوید: «اگر غذا را مستثنی کنیم، هیچ ماده‌ای در روی زمین نیست که به اندازه مواد مخدر این چنین آسان وارد زندگی ملت‌ها شده باشد». در حال حاضر نیز در کشور ما مصرف مواد مخدر افزایش داشته و زمینه‌های بروز آسیب‌های اجتماعی متعددی را فراهم نموده که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم. واژه اعتیاد از نظر لغوی، اسم مصدر عربی از ریشه «عاد» است که در فرهنگ لغت معین، به مفهوم عادت کردن و خوگرفتن می‌باشد. در فرهنگ نامه دهخدا، اعتیاد به مفهوم «پیاپی خواستن چیزی» آمده است. سازمان ملل متحد (۱۹۵۰) اعتیاد را این گونه تعریف کرده است: «اعتیاد، مسمومیت حاد یا مزمنی است که برای شخص یا اجتماع زیان بخش می‌باشد و از طریق استعمال داروی طبیعی یا صنعتی ایجاد می‌شود. به طور کلی چند ویژگی در خصوص اعتیاد به مصرف مواد مخدر ذکر شده است: - احساس نیاز شدید به ادامه استعمال دارو و تهیه آن از هر طریق ممکن - وجود علاقه شدید به افزایش مداوم میزان مصرف دارو. - وجود وابستگی روانی و جسمانی به آثار دارو، به طوری که در اثر عدم دسترسی به آن، علائم وابستگی روانی و جسمانی در فرد معتاد هویدا می‌شود. بر اساس تعاریف فوق، معتاد کسی است که از راه‌های گوناگون نظیر خوردن، دود کردن یا استنشاق، یک یا چند ماده مخدر را با هم و به صورت مداوم مصرف می‌کند و در صورت قطع آن، با مسائل جسمانی، رفتاری یا هردوی آن‌ها مواجه می‌شود (همان).

باتوجه به مطالبی که بیان داشته شد این موضوع و مطالعه بر روی آن از دو جنبه حائز اهمیت است؛ جنبه نظری که جمع‌آوری اطلاعات و فیش‌برداری‌های مطالعه کتابخانه‌ای موجب شناخت بعد نظری موضوع می‌شود. و جنبه دوم کاربردی بودن است که نتایج این مطالعه ضمن شناخت ابعاد مسأله و تأثیرات متغیرهای مستقل، می‌تواند مورد استفاده دستگاه‌های اداری و آموزشی قرار بگیرد تا بر مبنای یافته‌های تحقیق، برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها صورت پذیرد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بررسی تاثیر حاشیه‌نشینی بر گسترش سوء مصرف مواد مخدر.

اهداف جزئی:

- شناخت تاثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد بر سوء مصرف مواد مخدر.
- شناخت تاثیر میزان ارتباط افراد با کجروها بر سوء مصرف مواد مخدر.
- شناخت تاثیر میزان پذیرش قومی افراد بر سوء مصرف مواد مخدر.
- شناخت تفاوت میزان آنومی دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین.
- شناخت تفاوت میزان سوء مصرف مواد دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین.
- شناخت تفاوت میزان ارتباط با کجروها در بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین.

محدوده مورد مطالعه

تاریخچه و موقعیت جغرافیایی نسیم شهر

آثار و بقایای کشف شده از تمدن کهن ایران باستان با قدمت ۷۰۰۰ سال در شهرستان رباط کریم و مناطقی از بخش بوستان شامل تپه باستانی کلمه، وجه‌آباد و حصارک منصوری کشف گردیده و بقعه امامزاده حسن اسماعیل آباد و درخت کهنسال وجه‌آباد، نشان از سابقه‌دیرین حیات و زندگی پیشینیان در این منطقه می‌باشد. شایان ذکر است کاروانسراهای حاج کمال و قلعه سنگی در رباط کریم که مربوط به دوره‌های قاجاریه و سلجوقیان می‌باشد به همراه ده‌ها آثار باستانی نشان از قدمت دیرینه شهرستان رباط کریم دارد. نسیم شهر در جنوب غربی استان تهران از توابع شهرستان رباط کریم و در مرکز بخش بوستان یا وسعتی ۳۰۰۷ هکتار و مساحت مطابق طرح‌های ۷۰۹ هکتار در مجموعه شهرداری‌های استان تهران قرار دارد. این شهر از شرق به شهرستان اسلامشهر، از غرب به محدوده شهری رباط کریم، از شمال به شهرستان شهریار و از جنوب به جاده ترانزیتی تهران- ساوه محدود است.

نام قبلی نسیم شهر بنام اکبرآباد معروف بوده که در مورخه ۱۳۷۴/۷/۱۳ با تصویب هیئت محترم وزیران با نام مهاجر شهر و درجه ۵ به عنوان شهر مستقل ساخته شد که بدلیل عدم استقبال عمومی از نام مهاجر شهر مجدداً موضوع طی مصوبه جلسه مورخه ۱۳۷۸/۸/۲ هیئت محترم دولت و همزمان با سالروز ولادت حضرت ولی عصر (عج) به نام نسیم شهر تغییر نام یافت. در مورد وجه تسمیه نام‌گذاری اکبرآبادی گفته می‌شود نام یکی از ساکنین قدیمی و بومی این منطقه است که به نام اکبر حداد معروف است نام‌گذاری شده است.

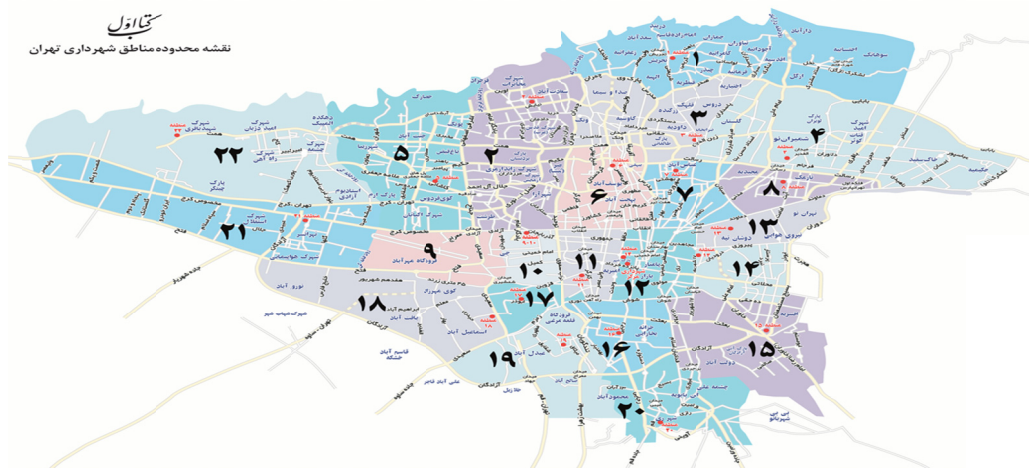
نسیم شهر در گذشته شامل دو روستا به نام‌های اسماعیل آباد و وجه آباد بوده که تقریباً از سی سال گذشته بعلت نزدیکی به تهران بزرگ، دارا بودن زمین‌های مرغوب و ارزان قیمت و تقاضای فراوان برای ایجاد مسکن از مناطق مهاجرپذیر بوده و به خاطر توسعه شهری برای تأسیس شهرداری واجد شرایط شناخته شد و در حال حاضر شهرداری نسیم شهر دارای درجه ۶ می‌باشد و در حوزه حریم دو دهرداری بنام‌های دهرداری اورین- همدانک و خیرآباد وجود دارد که حدوداً در اواسط سال ۸۶ توسط دهیاری در محدوده قانونی روستاها خدمات ارائه می‌شود.

آمار جمعیتی نسیم شهر و حومه در سال ۱۳۸۵ و براساس اطلاعات سازمان آماز و نفوس و مسکن ۱۶۶/۷۰۴ نفر می‌باشد، ولیکن با در نظر گرفتن میزان رشد نسبی جمعیت و براساس اعلام مرکز آمار ایران جمعیت این شهر و حومه در سال ۱۳۸۶ برابر ۱۷۶۲۵۷ نفر سکنی دارند.

۱- موقعیت و وسعت: رباط کریم بین ۳۵ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و طول شرقی آن از نصف النهار گرینویچ بین ۵۰ درجه و ۴۵ دقیقه غربی تا ۵۱ درجه شرقی قرار گرفته است. این منطقه با وسعتی حدود ۲۵۵ کیلومتر مربع در ارتفاع ۱۰۵۰ متری در جنوب غربی تهران واقع است و فاصله آن از تهران ۳۵ کیلومتر می‌باشد و در جنوب شهریار واقع است. حدود آن عبارت است از شمال به شهریار و از جنوب به اراضی فشاپویه و از شرق به زمین‌ها و محدوده اسلامشهر و از غرب به زرند محدود می‌شود.



نقشه شماره (۱): شهرستان تهران



نقشه شماره (۲): شهر تهران



نقشه شماره (۳): شهر اسلام شهر

مبانی نظری

پرویز پیران

وی معتقد است که در دوران رشد سریع توسعه برونزای کشور، آلونک‌نشینی نیز رشد پیدا می‌کند. با شروع توسعه برونزا و تحمیلی کشور از طریق سرمایه‌گذاری‌های روبنایی حاصل از درآمد نفت، قطب‌های توسعه برونزا در مراکز استان‌ها بویژه در مرکز اداری کشور شکل می‌گیرد به نحوی که بخش اعظم امکانات به قطب‌های یاد شده سرازیر می‌گردد. با تمرکز امکانات، درآمد و شغل در نقاط محدود، آرایش فضایی جامعه بهم خورده و تمرکز فضایی در قطب‌های مذکور ایجاد می‌گردد. با تمرکز فضایی، نرخ مبادله بین شهر و روستا و شهرهای کوچک و مراکز توسعه برونزا به زیان روستا و شهرهای کوچک تغییر می‌کند و واردات، جانشین تولیدات روستا و بطور کلی داخلی شده، نتیجتاً روستا به زائده‌ای بر ساختار جامعه بدل می‌شود و علت وجودی خود را از دست می‌دهد.

ادامه حیات اقتصاد معیشتی بر پایه خانوار، امکان تحول درونی روستا را با توجه به سطح فرهنگی و شرایط اقلیمی به حداقل می‌رساند و تمرکز امکانات جمعیت را به سوی خود کشانده، مهاجرت شدت می‌گیرد. با امکان یافتن مصرف بدون تولید، از طریق واردات، به بهای فروش منبع خدادادی جامعه، بازار مصرف گسترده‌ای در مراکز توسعه برونزا ایجاد شده و با افزایش دائمی جمعیت، دائماً گسترده‌تر می‌شود.

چنین رخدادهایی، ترکیب بخش‌های اقتصادی را برهم زده و بخش سوم را رشدی درخور می‌بخشد و دست به دست کشتن کالا رواجی تام و تمام گرفته، خانه‌سازی و سایر خدمات، بدون وجود تولیدی هم‌تراز با آن رونق می‌گیرد و انبوه تهیدستان روستایی برای بهره‌گیری از چنین شرایطی به شهرها کشیده می‌شوند. افزایش دائمی جمعیت و محدودیت‌های ساختاری در تولید مسکن مناسب اقشار مختلف، معضل مسکن را دو چندان و روستائیان را وادار می‌کند تا به هر وسیله سرپناهی دست و پا کنند. آلونک‌نشینی در چارچوب چنین روند کلی زاده می‌شود. در ایران چنین روندی با تشدید فرآیند ادغام اقتصاد ملی در اقتصاد سرمایه‌داری که با اصلاحات ارضی آغاز می‌شود، رشدی در خور می‌یابد (پیران: ۵۸-۵۷).

ادوین. اچ. ساترلند

ساترلند می‌گوید برای آنکه شخصی تبهکار گردد نخست باید یاد بگیرد که چگونه تبهکار شود. او سپس ادامه می‌دهد که این یادگیری در نتیجه کنش متقابل اجتماعی فرد با دیگران حاصل می‌شود. بیشتر افراد هم در معرض تماس با افراد یا گروه‌های منحرف قرار می‌گیرند و هم در معرض تماس با افراد یا گروه‌های غیرمنحرف. ساترلند

ارتباط متقابل با این گروه‌ها را بر حسب بسامد - الویت دوام و شدت اندازه گیری کرد. هرچه سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های منحرف بر حسب این چهار متغیر بالاتر باشد، احتمال رفتار انحراف آمیز شخص نیز بیشتر می‌شود. و برعکس اگر سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های غیرمنحرف بازم بر حسب این چهار متغیر بیشتر باشد، احتمال رفتار غیرانحراف آمیز شخص نیز بیشتر می‌شود (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۶۴).

رابرت. کی. مرتن

رابرت کی مرتن کوشیده است تا بی‌هنجاری را به انحراف اجتماعی ربط دهد. او می‌گوید که فرد در نتیجه فراگرد اجتماعی شدن هدف‌های مهم فرهنگی و نیز راه‌های دستیابی به این هدف‌ها را که از نظر فرهنگی مورد قبول باشند فرا می‌گیرد. هرگاه راه‌های مقبول دستیابی به این هدف‌ها برای فرد فراهم نباشد و او ناچار شود راه‌های دیگری را در پیش گیرد. رفتاری ممکن است از فرد سرزند که به انحراف اجتماعی بینجامد.

مرتون چهار نوع رفتار انحراف آمیز را که ممکن است در این رهگذر پدید آیند بر شمرده است. این‌ها عبارتند از: نوآوری، مناسک پرستی، واپس زنی، شورش

نوآوری: زمانی پیش می‌آید که مردم هدف‌های فرهنگی را بپذیرند ولی وسایل اجتماعاً پذیرفته شده برای دستیابی به این هدف‌ها را نپذیرفته باشند.

مناسک پرستی: زمانی رخ می‌دهد که شخص وسایلی را که یک فرهنگی برای دستیابی به هدف‌ها ارائه می‌دهد می‌پذیرد ولی خود آن هدف‌ها را رد می‌کند.

واپس زنی: وقتی پیش می‌آید که شخص هم هدف‌ها و هم وسایل دستیابی به این هدف‌ها را که مورد قبول یک فرهنگ می‌باشد رد می‌کند.

شورش: هنگامی رخ می‌دهد که مردم هدف‌ها و وسایل دستیابی به این هدف‌ها را که مورد قبول یک فرهنگ می‌باشند رد می‌کنند و هدف‌ها و وسایل تازه‌ای را به جای آن‌ها برمی‌گزینند (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۶۶ - ۱۶۵).

مسئله مورد توجه مرتن این است که نیازهای نظام با وفاق اجتماعی موجود یکسان نیستند. او اظهار می‌دارد که افرادی که موقعیت‌های اجتماعی گوناگونی را در ساخت اجتماعی اشغال می‌کنند ممکن است دارای علایق و ارزش‌های متفاوتی باشند. بنابراین معیارهای ارزشی تمامی گروه‌ها یکسان نیست و چون این معیارها متفاوت هستند گاهی ممکن است آن‌ها در تناقض با یکدیگر قرار بگیرند. این احتمال وجود دارد که مشکلات یک گروه باعث امتیازاتی برای گروه‌های دیگر باشد. یک الگوی اجتماعی ممکن است برای بخشی از جامعه کارکردی و برای بخشی دیگر غیرکارکردی باشد. تناقض‌های که مرتن مطرح می‌سازد در واقع بیشتر بعد فرهنگی اشاره دارد که بخشی از ساخت اجتماعی هستند. مسئله دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که در خیلی از موارد کسانی که دسترسی به فرصت‌ها برای موفقیت دارند نیز هنجار شکنی می‌کنند. مرتن اشاره کرده که افراد خود را با یکدیگر به شکل نسبی و بی‌نهایت مقایسه می‌کنند البته توجه اصلی مرتن به طبقات محروم از فرصت‌های موفقیت بوده است. بعضی از افراد هم بدون اینکه شایستگی خاصی داشته باشند به موفقیت دست پیدا می‌کنند. این امر خود می‌تواند علتی برای احساس شکست، تشدید بی‌سازمانی اجتماعی و حالت آنومی باشد.

زمانی که شیوه‌های نهادی شده که نوید موفقیت می‌دهند در اختیار فرد قرار نمی‌گیرند، نتیجه مواجه شدن فرد با یک شرایط یا حالت متناقض است. توجه اصلی او به انطباق از طریق راه‌های غیرقانونی دستیابی به هدف است. اهداف تعریف شده فرهنگی تحت عنوان موفقیت که در ارتباط با ثروت و قدرت قرار دارد. این حالت زمانی واقع می‌شود که فرد تأکید فرهنگ بر موفقیت را به شدت درونی ساخته اما شیوه‌های قانونی دستیابی به این اهداف را به همان اندازه درونی نکرده است.

در واقع رفتارهای غیراجتماعی از دیدگاه مرتن تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی پدید می‌آید که این ارزش‌ها نیز خود نمایشگر ساختار طبقاتی یک جامعه نابرابر هستند. فقدان تجانس میان شیوه‌ها و اهداف باعث پیدایش موارد زیاد رفتار غیراجتماعی در گروه‌ها می‌شود. فقر و محدود بودن فرصت‌ها به خودی خود باعث افزایش ارقام جنایت و انحراف نمی‌شود. حتی فقر در میان یک جامعه مرفه هم ممکن است باعث افزایش کج رفتاری نگردد.

چارچوب نظری

در تحقیق حاضر به دلیل بررسی عوامل اثرگذار اجتماعی-اقتصادی بر گسترش سوء مصرف مواد مخدر تلفیقی از نظریات ساترلند و مرتن و مکتب محیط فرهنگی، مناسب‌تر به نظر رسید. چرا که همنشینی افتراقی ساترلند در تبیین خود می‌گوید «تحقیقات نشان می‌دهد که رفتار جرمی کم و بیش با آسیب‌شناسی‌های فردی نظیر فقر، خانه‌های بد، حاشیه‌نشینی، فقدان تسهیلات، اوقات فراغت، خانواده بی‌صلاحیت و غیراخلاقی، عقب ماندگی ذهنی و دیگر ویژگی‌ها و شرایط چه وجوه اشتراکی وجود دارد که جرم به میزانی بالا را نتیجه می‌دهد. و همین ما را به آنچه دنبال آن هستیم یعنی تأثیر محیط بر افزایش جرم و سوء مصرف نزدیک‌تر می‌کند و مرتون نیز که هماهنگی وسایل و اهداف را در جامعه مطرح می‌کند، بحث می‌کند در صورتی که یک فرد در محیط اجتماعی خود وسایل رسیدن به اهداف خود را نداشته باشد به اجبار از وسایل نامربوط و غیرمعمول جامعه استفاده می‌کند که این می‌تواند منجر به انواع انحراف و طغیان و نوآوری شود که اعتیاد نیز یکی از این‌ها می‌تواند باشد. و مطابق این، نظریه مکتب محیط اجتماعی-فرهنگی که لاکاسانی و مانووریه ارائه داده اند آن‌ها نیز علل گرایش به جرم که سوء مصرف مواد مخدر نیز به عنوان یک جرم دانسته‌اند، در تأثیرات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی می‌تواند باشد. از نظر این سه متخصص علوم اجتماعی وجود شرایط نامساعد محیطی که شرایط نامساعد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی را به وجود می‌آورد. زمینه را برای انحراف فراهم می‌سازد و نوعی از این انحراف می‌تواند گسترش سوء مصرف مواد مخدر شود. پس در کل می‌توان گفت اتفاق نظر این افراد بر این است که سوء مصرف مواد مخدر به عنوان یک انحراف می‌تواند نشأت گرفته از عوامل محیطی اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی باشد. پس درکل وقتی افراد در یک جامعه با محیط هماهنگ نباشند و از نظر دستیابی به امکانات و اهداف در تنگنا باشند دست به ناهنجاری‌ها و انواع بزهکاری‌ها می‌زنند که ابتلا به سوء مصرف مواد هم از جمله این عوامل می‌تواند باشد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و میزان آنومی در بین آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و میزان سوء مصرف مواد در بین آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و سوء مصرف مواد رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و میزان ارتباط با کجروها در بین آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین میزان ارتباط با کجروها و سوء مصرف مواد رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین میزان پذیرش قومی و میزان سوء مصرف مواد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تعریف مفاهیم

تعریف نظری

حاشیه‌نشینی: حاشیه‌نشینی با اصطلاحات دیگری دچار تداخل شده است. یکی از این اصطلاحات زاغه‌نشینی است. «حاشیه‌نشینی یا زاغه‌نشینی اصطلاحی است که به محله‌های مسکونی غیرمتعارف اما در اکثر مناطق بسیار متداول شهری اطلاق می‌شود. چارلز آبرامز از مفهوم زاغه‌ها و مناطق زاغه‌نشین تعبیری به این شرح ارائه می‌دهد». ساختمانی یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات در مناطق تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود» (ستوده، ۱۳۷۴: ۹۷).

دهاقانی در کتاب تحلیلی از ویرانگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، در تعریفی سعی می‌کند ویژگی‌های فرهنگی را با فیزیکی و محیط ترکیب کند. از نظر او محیط حاشیه‌نشینی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. مشخصه‌های واحدهای مسکونی روبه ویرانی فرسوده با تجهیزات ناقص در حاشیه‌شهرها
۲. تسلط فرهنگ فقر در منطقه وجدایی‌گزینی توده‌ای مردم از جامعه شهری (ایجاد منطقه فیزیکی)
۳. گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری و ایجاد فاصله اجتماعی
۴. شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام ساختمانی
۵. مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه‌شهرها (دهقانی، ۱۳۶۹: ۱۸).

حاشیه فقط بیانگر دوری فیزیکی از موقعیت شهری نیست. ساکنان حاشیه‌ها از نظر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی نیز از شهر دور هستند. حاشیه‌نشینان در بیشتر مواقع دارای خرده فرهنگ قومی و فقیر هستند. و این محلات فقیر نشین «فرهنگ ویژه خود را دارد و این فرهنگ سبکی از زندگی است و این سبک آموخته شده برای زندگی با عقلانیت مخصوص خودش، با ساخت و مکانیسم‌های مخصوص خودش و سایلی برای ماندگاری و استمرار، با وجود مشکلات و محرومیت‌ها فراهم می‌کند» (کلوارد و اهلین، ۱۹۷۰: ۱۱).

به نظر پیران مفهوم حاشیه‌نشینی در ایران و جهان سوم کاربرد ندارد. به نظر او لازم است ریشه تاریخی این مفهوم در نظر گرفته شود. شیکاگوی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نمونه‌ای از اماکن حاشیه‌ای است. بعدها حاشیه‌نشینی به کلیه اشکال زندگی در غربت اطلاق گشت و هر مهاجر تازه وارد شده به نقطه دیگر حداقل برای مدتی از این انگ در امان نماند. بدون اینکه یکسان بودن شرایط مورد ارزیابی قرار گیرد (پیران، بی تا: ۳۴).

از نظر پیران همچنان که این تعریف مشخص می‌دارد. نخستین صورت حاشیه‌نشینی وجود دو فرهنگ متفاوت و گاه متخاصم است که چنین شرطی همیشه در مناطق مهاجر نشین دیده نمی‌شود. «حتی در برخی شهرها تعداد مهاجران روستایی و قدرت و مکتبی که در شهر به کف آورده‌اند سبب شده است تا فرهنگ مهاجران بر فرهنگ قدیمی غلبه کرده، بر آن آثاری مشهود به جای گذارد» (همان).

باتوجه به مشکلاتی که در تعریف حاشیه‌نشینی و مفهوم شخص حاشیه‌نشین به خصوص در جهان سوم وجود دارد.

امروزه بسیاری از محققان کوشیده‌اند تا از تعریف پارک و شاگردان او در مکتب شیکاگو فاصله گرفته، مفهوم اقتصادی حاشیه‌نشینی و انسان حاشیه‌نشین را جایگزین آن کنند. حاشیه‌نشینان تمامی کسانی را که در محدوده اقتصادی شهر نشده‌اند را در برمی‌گیرد (همان).

حتی با وارد کردن چنین معیاری مفهوم حاشیه‌نشینی روشن نمی‌شود، برای اینکه سوال پیش آید که مشغول شدن در کدام مشاغل دلیل جذب شدن تلقی می‌گردد و کدام مشاغل علامت حاشیه‌نشینی هستند؟

برای پاسخگویی به این مساله عده‌ای اشتغال در بخش غیررسمی اقتصادی را حاشیه‌نشینی تلقی می‌کنند. داشتن شغل ثابت و مستمری مداوم را مهمترین اجزاء فرآیند جذب اقتصادی می‌دانند. با تمامی این قبیل تقسیم‌بندی‌ها باز هم مساله تعریف فرآیند جذب به قوت خود باقی است. در جهان سوم و از جمله ایران بخش غیررسمی اقتصادگر چه متکی به سرمایه‌های کوچک توسعه نیافته، در مقیاس کوچک و با سازماندهی آشفته همراه است. لیکن بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی انسانی کشور را در خود جای داده است. برای گروهی ثروت و رفاه فراوان به ارمغان آورده است. و در مواردی بار تامین برخی نیازهای جامعه را بر دوش دارد، آیا همه دست‌اندرکاران این بخش حاشیه‌نشین هستند؟ آیا درآمد تنها ملاک مرزبندی حاشیه‌نشینی از غیرحاشیه‌نشین خواهد بود (پیران، بی تا: ۳۵).

باتوجه به مشکلاتی که در تعریف حاشیه‌نشینی وجود دارد. پروفیسور یکی مجموعه شرایطی را بیان می‌کند که نبود آن حاشیه‌نشینی را به دنبال دارد. این شرایط علاوه بر جذب اقتصادی عبارتند از «جذب فیزیکی یا بدست آوردن حق استفاده از مسکن متعارف و رفتن و اقامت در مسکن در بخش رسمی شهر و مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی جامعه با جذب سیاسی و اجتماعی و یافتن شغل توسط مهاجر در شهر و اقامت قانونی او در مسکن قابل قبول (نسبت به شرایط هر جامعه) و احساس تعلق به محله، محل کار و کوی و برزن و دخالت در سرنوشت سیاسی و حیاتی خود و...»

اگر این تعریف و این ویژگی‌ها را به عنوان تمایز بین حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین پذیرفته شود، متوجه خواهیم بود که بسیاری از مردم جامعه ما حاشیه‌نشین هستند.

برای وارد شدن به بحث حاشیه‌نشینی لازم است ابتدا به تعریف حومه بپردازیم، واژه حومه از اصطلاح لاتینی «suburbe» به معنای زیر نظارت شهر گرفته شده است. در بخش اعظم تاریخ شهرنشینی، این معنا برای این اصطلاح درست بوده است. حومه‌ها، مجموعه‌های کوچک سکونت گاه‌هایی بودند که برای وسایل آسایش و معیشت خود به مراکز شهری وابسته بودند در دوران کنونی این واژه برای اشاره به هر ناحیه ساخته شده مجاور یک شهر بزرگ به کار شده است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۰۷).

نخستین متفکری که مفهوم «انسان حاشیه نشین» را پیشنهاد و به صورت نظریه ای وارد مطالعات جامعه‌شناسی کرد، رابرت پارک جامعه شناس طراز اول آمریکای و از سردمداران مکتب شیکاگو است و پارک با الهام گرفتن از عقاید و افکار استاد خود جورج زیمل آلمانی، در مقاله ای تحت عنوان « مهاجرت انسانو انسان حاشیه نشین» مفهوم «انسان حاشیه نشین» را چنین تعریف می‌کند:

انسان حاشیه‌نشین شخصیتی است که از حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می‌نماید. چنین موجود دو رگه‌ای در زمان واحد نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد ولی در عین حال خود را نسبت به هیچ کدام کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند.

به عبارت دیگر پارک «انسان حاشیه‌نشین» را شخصیتی می‌شناسد که به دلایل گوناگون و تحت شرایط خاصی از تحول فرهنگ‌ها، ارتباط منطقی، حقیقی و فرهنگی خود را با محیط خویش از دست داده ولی هنوز نتوانسته است یا نخواسته است با فرهنگ و شرایط جدیدی که با آن روبرو شده ارتباط معنوی برقرار نماید.

منظور از موقعیت حاشیه‌نشینی شرایط عالمی است برزخ گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می‌آورد. فرد خود را در شرایطی می‌یابد که در آن روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده ولی روابط و ارزش‌های دیگری هنوز به طور کلی جایگزین آن‌ها نشده است (انتظاری، ۱۳۸۸). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که، معمولاً حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر نشده‌اند.

همچنین رفتار خودحاشیه نشینان نیز به گونه‌ای رفتار طبیعی خود ساکنین شهر نمی‌باشد. اگر انتخاب مسکن را سازش با نوعی رفتار اجتماعی بدانیم، خود تن دادن به سکونت در مسکن‌های حاشیه ای و انتخاب چنین سکونت گاهی، حال به هر دلیل جدا بودن شیوه زندگی حاشیه نشینان از دیگر ساکنین شهر است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۴).

در کل علت تلقی عدم جذب او در نظام اجتماعی - اقتصادی شهر، یکی مسکن اوست و دیگر اینکه شیوه زندگی او با شیوه زندگی دیگر افراد معمولی ساکن در شهر که همان درآمد را دارند، بسیار متفاوت است و در قالب رفتارهای اجتماعی متعارف شهری نیست (همان ص ۸).

چگونگی فرم گرفتن زندگی در حاشیه شهر

باتوجه به عوامل رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت به صور گوناگون و کمبود مسکن متناسب با توان و نیاز متقاضیان، مخصوصاً اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد، این افراد برای تامین سرپناه با استفاده از راه‌حل‌های ممکن و سهل (نه قانونی و منطقی) اقدام می‌نمایند. اصولاً محله‌های حاشیه‌نشین، به صورت خودرو در زمین‌های بدون برنامه

شکل می‌گیرد. به همین دلیل این محله‌ها فاقد تأسیسات زیربنایی بوده و شهرداری‌ها و مسولان شهر، خود را موظف به تامین تأسیسات آنجا نمی‌دانند تا زمانی که ساکنان این مناطق به نیروی اجتماعی و سیاسی تبدیل گردند. از طرف دیگر، به علت پراکندگی و گاه دور بودن این اماکن از بافت اصلی، حتی در صورت تمایل مسولان، تامین تأسیسات زیربنایی گران و مشکل است. از طرفی دیگر، با توجه با اینکه محلات حاشیه‌نشین خود را جزیی از شهر می‌دانند، لذا خواستار برخورداری از خدمات شهری همانند سایر نقاط شهر هستند و از آنجا که میزان خدمات‌رسانی به این مناطق محدود و کمتر بوده، از این رو از خدمات‌رسانی به این محلات احساس نارضایتی داشته، خواستار خدمات رسانی بیشتر به این مناطق می‌باشند (صالحی جونقانی، ۱۳۷۹).

سوء مصرف مواد مخدر

تعریف جامع و مانع از سوء مصرف مواد مخدر به ویژه در زمینه مواد افیونی و تریاک یک مشکل است. تعاریف متعددی از سوء مصرف مواد مخدر ارائه شده است. سازمان بهداشت جهانی از ماده مخدر این تعریف را ارائه داده است: «هر ماده‌ای که پس از وارد شدن در ارگانسیم بتواند بر یک یا چند عملکرد ارگانسیم تاثیر بگذارد، ماده مخدر است و اگر از حد بگذرد سوء مصرف است. این تعریف مصرف‌کنندگان مواد مخدر را افرادی غیرطبیعی و منحرف می‌داند. وبر اساس آن هم مخدرهایی نظیر توتون و مشروبات الکلی و هم مخدرهای غیرقانونی مانند هروئین و ال اس ای را در بر می‌گیرد» (ستوده، ۱۳۷۴: ۲۱).

باتوجه به تعریف ماده مخدر سازمان ملل متحد «اعتیاد به مواد مخدر عبارت است از مسمومیت تدریجی یا حادی که به علت استعمال مداوم یک دارو اعم از طبیعی یا ترکیبی ایجاد می‌شود. و به حال شخص و اجتماع زیان‌آور است» (همان، ص ۲۱۸).

شاملو اعتیاد را در معنای وسیع آن رفتاری می‌داند که بر اثر عادت، برفرد چنان مسلط می‌شود که کاملاً و یا تا حدی رفتارهای سالم او را تحت تاثیر قرار می‌دهد و آن‌ها را تحت سیطره خود در می‌آورد (احمدوند، ۱۳۷۳: ۲). به نظر می‌رسد تعریف شاملو نیازمند تعریف دیگری است. زیرا واژه رفتارهای سالم واژه‌ای است که روشن و معین است. بنابراین باید آن را تعریف کرد.

امروزه به جای اصطلاح اعتیاد بیشتر از واژه وابستگی دارویی استفاده می‌شود. آنچه مسلم است این است که اصطلاح مورد استفاده چندان اهمیت ندارد. بلکه رسایی تعریف باید قابل اعتماد باشد با توجه به مطالعات اولیه و شناخت جامعه آماری مشاهده می‌شود در بین مهاجران حاشیه‌نشین شغل دولتی وجود ندارد. بنابراین نیازی به وارد کردن آن در پرسش‌نامه نیست.

به نظر جیراو سه ملاک وجود دارد که سوء استفاده غیرمزمونی را متمایز می‌کند: ۱. استفاده بیمارگونه مثل ماندن در حال مسمومیت در تمام روز، عدم توانایی در تقلیل یا ترک مصرف، کوشش مکرر به کنترل مصرف، علی‌رغم وجود یک اختلال جدی جسمانی که با مصرف مواد تشدید می‌یابد. نیاز به مصرف روزانه برای کفایت درانجام وظیفه و... ۲. اختلال در انجام وظایف اجتماعی یا شغلی در نتیجه شکل استفاده بیمارگونه ۳. حداقل مدت مصرف یکماه است. بنابراین این الگوی مصرف پاتولوژیک حداقل برای مدت یک ماه و اختلال در انجام وظایف اجتماعی و شغلی وجود دارد (احمدوند، ۱۳۷۳: ۵).

تعاریف عملیاتی

حاشیه‌نشینی

باتوجه به مطالعات به عمل آمده متوجه شدیم که تعریف پارک از حاشیه‌نشینی چندان گره گشا نیست. زیرا این مهاجران روستایی در مناطقی اقامت کرده‌اند که تفاوت چندان از نظرفرهنگی با مبداء مهاجرتشان ندارد، آن‌ها در کنار بستگانشان و نزدیک آن‌ها اقامت گزیده‌اند. به طوری که شاهد حلقه‌های به هم پیوسته‌ای از خویشاوندان ساکن در یک محله یک کوچه هستیم، از سوی دیگر آن‌ها ارتباط چندان با جامعه شهری بزرگ‌تر (تهران) ندارند. حضور آن‌ها در شهر گذری و اتفاقی است. و برای برقراری ارتباطات روزمره از زبان مادری خویش استفاده می‌کنند. از نظر کلینارد نیز ساکنان چنین محلاتی بیشتر اوقات خود را در نزدیکی و مجاورت با هم می‌گذرانند، دوستان و خویشاوندان آن‌ها در آنجا هستند و هر تفریحی داشته باشند و یا هر احترامی بتوانند کسب کنند. نیز همان جاست (کلوارد و اهلین، ۱۹۷۰: ۱۷).

برای ساختن شاخصی که بتواند حاشیه‌نشینی را بسنجد به ترکیبی از ویژگی‌های مورد نظر ایکی پرداختیم که عبارتند از ۱. ویژگی‌های مسکن؛ شامل شخصی بودن مسکن یا انواع دیگر سکونت در آن- مساحت و امکانات مسکن با توجه به تعداد ساکنان آن و قیمت مسکن ۲. ویژگی‌های شهری؛ که پاسخگو در آن ساکن است از نظر خدمات عمومی (پارک، فروشگاه، دبیرستان) ۳. درآمد.

درآمد با توجه به خط فقر اعلام شده از طرف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور سنجیده می‌شود. در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۹ برای خانوارهای شهری با جمعیت ۴۸ نفر ۷۱ هزار تومان بر آورد شده بود. بر اساس تحقیقات صورت گرفته در مرکز آمار ایران این شاخه برای خانوارهای روستایی پایین‌تر و نزدیک ۵۶ نفری ۴۸ هزار تومان است. ملاک تعیین فقر مطلق میزان مصرف مواد غذایی روزانه است. و بر این اساس افرادی که کمتر از ۲۲۰۰ کیلو کالری تغذیه می‌کنند، فقیر مطلق به حساب می‌آیند. بر اساس این گزارش خط فقر نسبی در شهرها ۱۳۲ هزار تومان و برای روستاها ۸۳ هزار و پانصد تومان اعلام شده است. در نهایت هم نتیجه گرفتند با توجه به این سطوح درآمدی مجموع فقیر کشور به ۴۰ درصد می‌رسد (روزنامه حیات نو، شماره ۲۴۶).

متغیر درآمد نیز در کنار تعداد اعضای خانواده تحت سرپرستی گویا می‌شود. ما رابطه درآمد و تعداد اعضای خانواده را به عنوان یک شاخص برای سنجش فقر خانواده و در نتیجه فقیر بودن پاسخگو استفاده می‌کنیم.

سوء مصرف مواد مخدر

میزان اعتیاد برای هر معتاد با توجه به میزان مصرف سالانه مواد بر حسب مقدار محاسبه شده است. از هر معتاد سوال می‌شود روزی چند بار (حداقل) و چه مقدار مصرف دارند. علت اینکه روی حداقل مصرف تکیه می‌شود. به این خاطر است که بتوان راحت‌تر اعضای جامعه آماری را با یکدیگر مقایسه کرد.

گروه غیرمعتادان نیز یک گروه همانند نیستند و خود به چند دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کسانی که هرگز از مواد مخدر استفاده نکرده‌اند. ۲. کسانی که تنها در جشن‌های عروسی مواد مصرف می‌کنند. ۳. کسانی که علاوه بر جشن‌ها در مهمانی‌های خصوصی نیز از مواد مخدر استفاده می‌کنند. از کسانی که در جشن‌ها و مهمانی‌ها مصرف می‌کنند

سوال می شود چندبار حداقل در سال گذشته در عروسی ها شرکت کرده اید و هر بار حداقل چقدر مصرف داشته اند. و از کسانی که در مهمانی ها مصرف می کنند سوال می شود. به طور متوسط در ماه چند بار شب نشینی می کنید و هر بار چقدر مصرف دارند.

روش تحقیق

روش مطالعه روش های اسنادی و پیمایشی بوده است و برای جمع آوری داده ها و اطلاعات از تکنیک های فیش برداری و پرسشنامه و مشاهده استفاده شده است.

برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده کرده ایم که بر اساس این فرمول حجم نمونه ۲۰۸ نفر بدست آمده است. با توجه به اینکه جامعه آماری حاشیه نشینان منطقه گلستان اسلامشهر می باشد. لذا با بررسی ها و مراجعه به شهرداری و تهیه کروکی و نقشه این شهر بر آن شدیم تا این شهر را منطقه بندی کرده و از هر منطقه قسمتی را مشخص نموده و در مرحله پر کردن پرسشنامه از افراد در مناطق مشخص شده پرسشنامه پر کنیم تا حاصل کار مفید باشد. به همین خاطر در کل در نظر گرفتیم که از روش نمونه گیری احتمالی دو مرحله ای استفاده کنیم چرا که در این روش از بین طبقات چند طبقه را به عنوان نمونه طبقات انتخاب نموده و سپس از بین واحدهای آن طبقه چند واحد (فرد جامعه) را به عنوان نمونه انتخاب می نمایند (منصورفر، ۱۳۷۴: ۳۰۰). شاید مطلبی که به اذهان خواننده این متن خطور کند این باشد که آیا ما نمونه خود را از بین افراد معتاد انتخاب کرده ایم باید گفت که با توجه به مسیر تعیین شده از ابتدای کار هدف بررسی افراد در حالت عادی و در زندگی عادی شان بود نه اینکه افراد را در بازپروسی ها و یا کلینیک های ترک اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر، بررسی کنیم. به همین دلیل با توجه به تقسیم بندی مناطق این منطقه حاشیه نشین و انتخاب محله های پایین شهر و نامناسب از نظر ریخت شهرسازی، به منازل و محل کسب و کار مراجعه کردیم و مراحل کار طی شد.

برای تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات متناسب با نوع فرضیات و نوع متغیرها و سطوح سنجش آن ها از آماره های متناسب پارامتریک و ناپارامتریک استفاده شده است.

یافته های تحقیق

آمار توصیفی

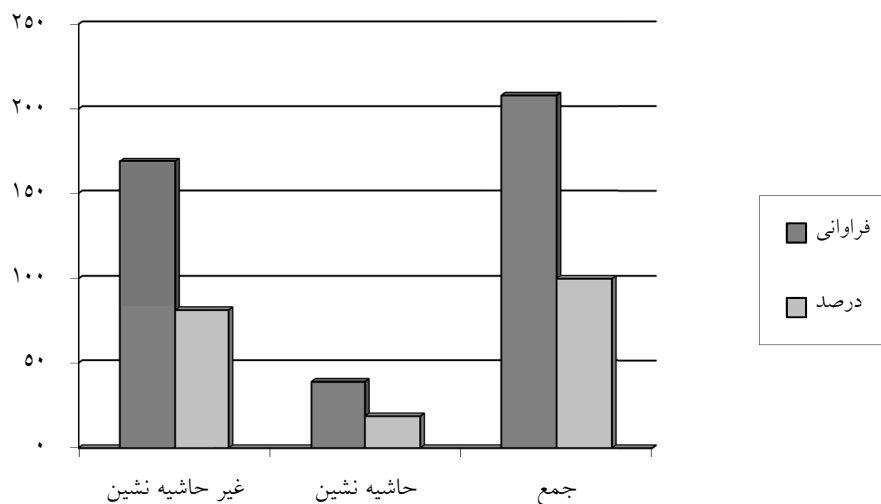
جدول شماره (۱): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب حاشیه نشینی

حاشیه نشینی	فراوانی	درصد
غیرحاشیه نشین	۱۶۹	۸۱/۲
حاشیه نشین	۳۹	۱۸/۸
جمع	۲۰۸	۱۰۰

منبع: یافته های پژوهش

باتوجه به جدول فوق و فراوانی های بدست آمده در تحقیق حاضر و باتوجه به تعاریف حاشیه نشین و شاخص سازی برای این مفهوم که حاشیه نشین ها را کسانی قرار دادیم که در مسکن اجاره ای و مناطق بسیار پایین زندگی می کنند و غیرحاشیه نشین را کسانی قرار دادیم که ملک شخصی و در محله و منطقه مناسب در این شهرستان زندگی می کنند، ولی با مشاهدات و طبق فراوانی های فوق در جدول فوق می توان اظهار کرد دلیل اینکه خیلی ها در این منطقه

صاحب‌خانه هستند این می‌باشد در زمان کوچ به این منطقه بدون مجوز در این منطقه حاشیه‌نشین سکنی گزیده‌اند. اکنون بعد از گذشت چندین سال درخانه‌های بدون سند و حداکثر در خانه‌های قولنامه‌ای زندگی می‌کنند و یکی از دلایل دیگر بیشتر پاسخگویان تحقیق خود راصاحب خانه معرفی کرده‌اند این می‌باشد که به دلیل نوع قومیت و آداب و رسوم و سخت بودن این رسوم و اجبار به پایبند بودن خیلی از جوانان بعد از ازدواج در منزل پدری زندگی می‌کنند و به همین دلیل خود را صاحب مسکن می‌دانند.



نمودار شمار(۱): پاسخگویان برحسب حاشیه‌نشینی

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نمودار فوق می‌توان گفت که با توجه به اینکه شاخص حاشیه‌نشین بودن عدم تملک خانه بوده، و در این منطقه به دلیل ارزان بودن خانه و همچنین با توجه به گذشته این منطقه که زمین‌های این منطقه به صورت بایر بوده است و اشخاصی که از ولایت خود به این منطقه مهاجرت می‌کردند مقداری از این زمین‌ها را تصرف می‌کردند و به همین دلیل این افراد که در زمان حال پاسخگوی تحقیق حاضر بوده‌اند خود را جزء حاشیه‌نشین‌ها محسوب نمی‌کنند.

آمار استنباطی

جدول شماره (۲): خلاصه نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه متغیرهای وابسته با متغیرهای مستقل پژوهش

ردیف	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	آزمون‌های آماری	
			آماره‌های ناپارامتریک (اسپیرمن) (رتبه‌ای - رتبه‌ای)	
			ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	میزان ارتباط با کجروها	سوء مصرف مواد	۰/۴۳۸	۰/۰۰۰
۲	پایگاه اقتصادی و اجتماعی		۰/۵۳۹	۰/۰۰۶
۳	پذیرش قومی		۰/۵۵۳	۰/۰۱
ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره‌های ناپارامتریک (من وایتنی) (اسمی - رتبه‌ای)	
			مقدار من وایتنی	سطح معنی داری
۱	حاشیه‌نشینی	آنومی	۱/۴۵	۰/۰۰۸
۲	حاشیه‌نشینی	سوء مصرف مواد	۲/۰۶	۰/۰۱
۳	حاشیه‌نشینی	میزان ارتباط با کجروها	۱/۸۶	۰/۰۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود متغیرهای مستقل (میزان ارتباط با کجروها، پایگاه و پذیرش قومی) در این تحقیق در سطح سنجش رتبه‌ای و متغیر (حاشیه‌نشینی) در سطح اسمی مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند. بین میزان ارتباط با کجروها و سوء مصرف مواد رابطه معنی داری وجود دارد با توجه به نتایج آزمون اسپیرمن این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است و سطح معنی داری برابر با $\text{Sig}=0/000$ که نشان دهنده رابطه معنی داری بین میزان ارتباط با کجروها و سوء مصرف مواد می‌باشد. و هم چنین میزان همبستگی برابر $0/438$ است که نشان دهنده شدت رابطه قوی و مستقیم بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 ابطال و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی هرچه میزان ارتباط با کج روها بالا باشد میزان سوء مصرف مواد مخدر نیز بالا خواهد رفت.

بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و سوء مصرف مواد رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد این آزمون در فاصله اطمینان $0/95$ سنجش شده است سطح معنی داری $\text{Sig}=0/006$ است که از سطح مورد نظر 5% کمتر است که نشان دهنده رابطه معنی داری بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و سوء مصرف مواد می‌باشد در نتیجه با توجه به اطلاعات فرضیه H_0 ابطال و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی هر چه پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد بالا می‌رود میزان سوء مصرف مواد کاهش می‌یابد.

هم‌چنین بین پذیرش قومی و سوء مصرف مواد رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است. سطح معنی‌داری برابر با $\text{Sig} = ۰/۰۱$ که نشان دهنده شدت رابطه معنی‌داری بین پذیرش قومی و سوء مصرف مواد می‌باشد. هم‌چنین میزان همبستگی اسپیرمن برابر $۰/۵۵۳$ که نشان‌دهنده شدت رابطه بسیار قوی و مستقیم بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 ابطال و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی هرچه میزان پذیرش قومی در بین افراد بالا باشد میزان سوء مصرف مواد نیز در بین آن‌ها بالا خواهد بود.

بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و میزان سوء مصرف مواد مخدر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتیجه آزمون من وایت نی، میزان سطح معنی‌داری $\text{sig} = ۰/۰۱$ چون از $۰/۰۵$ کمتر است نشانگر تفاوت معنی‌داری بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و میزان سوء مصرف مواد مخدر می‌باشد. بنابراین فرضیه H_0 ابطال می‌شود و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی میزان سوء مصرف مواد مخدر در بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین تفاوت معنی‌داری با هم دارند. به صورتی که میزان سوء مصرف مواد در بین حاشیه‌نشینان بیشتر از غیرحاشیه‌نشینان می‌باشد.

بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و میزان آنومی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتیجه آزمون من وایت نی، میزان سطح معنی‌داری $\text{sig} = ۰/۰۰۸$ چون از $۰/۰۵$ کمتر است نشانگر تفاوت معنی‌داری بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و میزان آنومی می‌باشد. بنابراین فرضیه H_0 ابطال می‌شود و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی میزان آنومی در بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین تفاوت معنی‌داری با هم دارند. به صورتی که میزان آنومی در بین حاشیه‌نشینان بیشتر از غیرحاشیه‌نشینان می‌باشد.

هم‌چنین بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و میزان ارتباط آن‌ها با کجروها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتیجه آزمون من وایت نی، میزان سطح معنی‌داری $\text{sig} = ۰/۰۳۰$ چون از $۰/۰۵$ کمتر است نشانگر تفاوت معنی‌داری بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و میزان ارتباط آن‌ها با کجروها می‌باشد. بنابراین فرضیه H_0 ابطال می‌شود و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی میزان ارتباط افراد با کجروها در بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین تفاوت معنی‌داری با هم دارند. به صورتی که میزان ارتباط افراد با کجروها در بین حاشیه‌نشینان بیشتر از غیرحاشیه‌نشینان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

رشد شتاب زده شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، همچون سایر دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی در این کشورها، تا حد زیادی ناشی از تاثیرپذیری قالب‌های سنتی از قالب‌های مدرن بوده است که خود سبب تعارض‌ها و ناهمخوانی‌هایی نیز شده است. و از جمله نتایج ناخوشایند آن می‌توان به شکل‌گیری جمعیت‌های حاشیه‌نشین، یا آنچه امروز بیشتر اسکان غیررسمی می‌نامند، اشاره کرد. «حاشیه‌ای» به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که در محدوده شهر ساکن هستند ولی جذب نظام اجتماعی - اقتصادی شهر نشده‌اند (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹؛ ۳۲). حاشیه‌نشینان از پیامدهای توسعه ناهمسو و بدریخت در نظام شهرنشینی است. بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها سکونت دارند، فضاهایی منطقه‌ای که بستری گسترده از ساختارهای خرد و کلان ارتباطی، تعارضات اجتماعی و خشونت‌های

سازمان یافته را ترسیم می‌نماید. در محیط‌های حاشیه‌ای با توجه به محدود بودن امکانات نهادها و سازمان‌های موجود، میزان کنترل اجتماعی کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه بی‌نظمی و اختلافات مختلف و قانون شکنی و بی‌توجهی به ضوابط و در نهایت ناهنجاری‌های اجتماعی روز به روز توسعه بیشتری پیدا می‌کند.

گرایش بسوی شهرهای بزرگ و مهاجرت روستائیان و سکونت نامناسب در حواشی و اطراف شهرها، محیط‌های ناسالمی را ایجاد می‌کند که احتمالاً آسیب‌های اجتماعی را در همه نقاط شهری اعم از مرکز و پیرامون آن می‌پراکند. چارلز آبرامز حاشیه‌را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است و نیز حاشیه‌نشینی در معنای عام را شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده اقتصادی شهرساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. زندگی حاشیه‌نشینان در همه جا در محیط‌های ناسالم پیرامون شهرهای بزرگ گسترش پیدا می‌کند و همراه با آن ناهماهنگی‌های فرهنگی و تفاوت در شیوه زندگی روستائیان شهرنشین و گمگشتگی و تغییر هویت در محیط‌های نامانوس شهری و نهایتاً توسعه خلافکاری‌ها و بزهکاری‌ها در شهرها رشد فزاینده‌ای پیدا می‌کند، درچنین محیط‌هایی با توجه به محدود بودن امکانات نهادها و سازمان‌های موجود، میزان کنترل اجتماعی کاهش پیدا می‌کند اختلافات مختلف و قانون شکنی و بی‌توجهی به ضوابط و در نتیجه بی‌نظمی و جرم که طبق تعریف دورکیم: پدیده‌ای طبیعی - اجتماعی است که منشعب از فرهنگ و تمدن آن اجتماع بوده و هر ناهنجاری را که مغایر با این فرهنگ و تمدن باشد و به وجدان عمومی لطمه وارد آورد، جرم می‌نامد؛ روز به روز توسعه بیشتری پیدا می‌کند (توسلی، ۱۳۷۴: ۱۳۰).

نتایج حاصل از مطالعات پیمایشی و میدانی این تحقیق نشان داد حاشیه‌نشینی که خود نشأت گرفته از عوامل مبداء و مقصد می‌باشد باعث به وجود آمدن یک سری مسائل مثل خرده فرهنگ‌های بزهکار و گروه‌های کجرو و آنومی و ناهنجاری می‌شود و در مقابل از مسائلی مثل شیوه قومی (پذیرش قومی) و پایگاه اجتماعی - اقتصادی ضمن تاثیرگذاری، تأثیر نیز می‌پذیرد و در نهایت روی گرایش و گسترش هر چه بیشتر آسیب خانمان‌برانداز سوء مصرف مواد مخدر تأثیر می‌گذارد. طی نتایج آماره‌های اتخاذ شده با توجه به همبستگی بالای قومی در بین حاشیه‌نشینان منطقه گلستان، افراد تا بی نهایت، هم قوم خویش را حمایت مالی می‌کنند و از روی مرام و معرفت هزینه‌های هم قوم خویش را متقبل می‌شود، از این رو سطح درآمد و پایگاه اقتصادی - اجتماعی در سطح عام در بین حاشیه‌نشینان این منطقه نمی‌تواند عامل مهمی روی گرایش به سوء مصرف مواد مخدر باشد، ضمن اینکه نظارت نیروهای انتظامی و مبارزه با مواد مخدر نیز در این منطقه باز به دلیل اینکه همبستگی افراد این منطقه زیاد می‌باشد و در صورت نیاز به زد و خورد نیز می‌پردازند، زیاد چاره ساز نبوده است. افراد با توجه به اینکه خود صاحب اصلی ملک نیستند و بیشتر تصاحب کرده‌اند منطقه را، زندگی در خانه‌های بسیار ضعیف از نظر ساخت و ریخت شهری را به بازگشت دوباره به زادگاه و حرفه پدری را ادامه دادن، ترجیح می‌دهند و در واقع با این زندگی حاشیه‌نشینی خو گرفته‌اند چرا که در این منطقه با حداقل مناسب رفاه زندگی می‌کنند و همه این‌ها در نهایت به افزایش دامنه حاشیه‌نشینی و سوء مصرف مواد مخدر و در نهایت نا امنی منطقه و عدم پیشرفت در ابعاد زیستی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی می‌شود.

پیشنهادات و ارائه راهکارها

نظریه‌ای که در حال حاضر با توجه به تجارب کشورهای یاد شده مطرح است، رفع ناسازگاری‌های ساختارهای شهری با مناسب سازی شرایط محیطی، اقتصادی و معیشتی ساکنان بافت‌های حاشیه‌نشین و مهاجر نشین به کمک روش‌های کارگزاری صنعتی - تولیدی می‌باشد. این نظریه شامل دو مرحله است:

اول؛ شناخت ماهیت و هویت مهاجران و ایجاد پوشش مناسب مدیریت شهری و بهسازی‌های کالبدی و اجتماعی این حوزه‌ها و دوم ایجاد نظام کارگزاری مناسب برای مرتبط ساختن قابلیت‌های بالقوه نیروی انسانی این حوزه‌ها با سازمان تولیدی و صنعتی شهرها و حتی در سطح کشور و خارج از آن می‌باشد. که به تبع ایجاد موسسات کارگزاری، اساس راه اندازی نظام تولیدی یاد شده می‌باشد.

جامعیت دادن به نظریه و تدوین اهداف و راهبردهای آن، مستلزم کارهای گسترده‌ی تحقیقاتی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، دستگاه‌های اجرایی و شهرداری‌های حوزه‌های انتخاب شده در جهت اجرای نظام کارگزاری می‌باشد مدیریت در جامعه باید اقدامات جدی پیوسته‌ای به عمل آورند که فرآیند انجام کار به صورت بسیار کلی به شرح زیر قابل تبیین است:

• شناخت وضع موجود نیازها، قابلیت‌ها و امکانات بالقوه حوزه‌های مهاجرنشین، به ویژه قابلیت‌های نیروی انسانی موجود برای کار و اشتغال.

• فراهم ساختن زمینه‌ی تشکیل نهادهای مدیریتی درون‌زا در جوامع حاشیه‌نشین

• تخصیص منابع، تشکیل شوراهای محلی، اجرای پیش نهادهای سازمانی.

• تشکیل موسسات کارگزاری برای شناسایی، راه‌کارهای تولیدی مناسب و انجام مراحل تحقیقاتی، توسط همین موسسات در مورد انواع تولیدات ممکن به بهانه‌ی راه‌اندازی نظام صنعتی در کشور.

• اجرای طرح‌های کارگزاری، ارزیابی سیستم کار و اصلاح روش‌ها

• گسترش این نظام به بقیه حوزه‌های حاشیه‌نشین.

• باتوجه به اینکه این افراد به دلیل عوامل دافعه از روستاها و شهرهای کوچک به کلان شهرها و در نتیجه مبتلا به حاشیه‌نشینی می‌شوند پس راهکار را از مبداء شروع کرد:

• افزایش درآمد روستائیان و برقراری توازن بین درآمدهای شهری و روستایی

• توجه به اصل عدالت در امر توزیع امکانات در سطح کشور اعم از روستاها با هدف جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه

• توجه به فعالیت‌های جایگزین فرهنگی به منظور استاندارد سازی اوقات فراغت نوجوانان و جوانان به ویژه در شهرهای کوچک و روستاها

• تامین سرمایه‌های لازم در روستاها از طریق وام‌های کم‌بهره و جهت‌دهی سرمایه‌های کوچک روستایی به سمت سرمایه‌گذاری تولیدی در روستاهای استان‌های مختلف کشور

• حمایت از تولیدکنندگان روستایی

- افزایش در واحد سطح روستایی
- ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در نواحی روستایی
- ایجاد تعادل بین فرصت‌های اشتغال پیشنهادی بین شهر و روستا
- کاستن از تمرکز فزاینده سرمایه‌گذاری در مرکز استان‌ها خصوصا کلان شهر تهران

منابع

- احمدوند، محمد علی (۱۳۷۳). **اعتیاد**. تهران: پیام نور.
- انتظاری، علی (۱۳۸۸). راه‌های پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر، کنفرانس ستاد مبارزه با مواد مخدر، بهمن ۱۳۸۸.
- پیران، پرویز (۱۳۸۰). «اجتماعات الونکی پدیده‌ای فراتر از حاشیه‌نشینی». تهران: موسسه کیهان.
- پیران، پرویز (بی تا). «شهر نشینی شتابان و ناهمگون» مجله سیاسی، اقتصادی، شماره سوم و پنجم و ششم
- پیران، پرویز (بی تا). «مساکن نابهنجار» مجله سیاسی، اقتصادی، شماره هفتم
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۴). **جامعه شناسی شهری**. تهران: دانشگاه پیام نور،
- دهقان نیری، علیرضا (۱۳۶۹) «بررسی وضعیت اجتماعی، اقتصادی آلونک نشینان» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز،
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۶). **آسیب شناسی اجتماعی در ایران**. تهران: انتشارات آریانا.
- خراطها، سعید (۱۳۸۳) حاشیه‌نشینی در محله‌های ناهنجار شهر تهران (مورد محله غربت)، مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی.
- صالحی جونقانی، فرحناز (۱۳۷۹). **بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر اعتیاد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز**.
- عبدی، کافیه (۱۳۸۶). **بررسی عوامل گسترش اعتیاد در بین حاشیه نشینان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران**.
- کوهن، آلن (۱۳۷۳). **فرهنگ مواد مخدر**. ترجمه حسن حاج سید جوادی. تهران: نشر سعید محبی.
- کوئن، بروس (۱۳۸۶). **مبانی جامعه شناسی**. ترجمه توسلی و فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). **جامعه شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- منصورفر، کریم (۱۳۸۲). **روش‌های آماری**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نبوی، عبدالحسین (۱۳۷۴). «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی موثر بر شیوع جرائم در جامعه شهری اهواز» پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.

